



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تربیت و تنبیه کودک از منظر اسلام و علوم تربیتی

فاطمه نظافت یزدی^۱

رحیمه ابراهیمی^۲

چکیده

تربیت فرزند از مسائل مهم خانواده است. درباره روش‌های تربیت کودک به مواردی از جمله الگو سازی، عادت، موعظه، تشویق، بیان قصه، امر و نهی، قهر و تنبیه کودکان اشاره شده است، در این میان، مشروعیت «روش تنبیه» با تردید مواجه شده است. نوشتار حاضر، با بیان اصول کلی تنبیه، بررسی و نقد ادله مخالفان و بیان دلایل موافقان، معتقد شده است که روش تنبیه در صورت عدم کارایی سایر روش‌ها و با رعایت اصول و شرایطی ویژه، جایز بوده و روشی کاربردی و مهم در تربیت کودکان می‌باشد. این مقاله به روش توصیف و تحلیل و به گونه کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

کلید واژه: تربیت، کودک، تنبیه.

^۱ کارشناسی فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه شهید مطهری

^۲ استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه شهید مطهری واحد خواران مشهد





مقدمه

مسئله تربیت فرزندان از بزرگ‌ترین وظایف و مسئولیت‌های والدین در قبال فرزندان می‌باشد؛ از این رو بر والدین لازم است هر چه زودتر و سریع‌تر به امر تربیت کودک بپردازند؛ چون دوران کودکی، دوران تکوین است و از نظر اهمیت می‌توان آن را مهم‌ترین دوره حیات به حساب آورد؛ زیرا مایه‌های حیات بعدی انسان مربوط به این دوره است. (قائمی، ۱۳۶۸، ۲۴۴)

همچنین از طرفی آدمی در آغاز ولادت با داشتن غریزه، بنای زندگی‌اش بر اساس اصل لذت است. و به اصطلاح روانشناسان حیات او صرفاً حیوانی است. (ملکوتی فر، ۱۳۸۸، ۱۶۴) و از طرف دیگر دوران کودکی دوران تأثیر پذیری است و این حالت با سن و رشد، نسبت معکوس دارد. به هر میزان که سن بالاتر می‌رود، میزان تأثیرپذیری کمتر می‌شود. (قائمی، ۱۳۶۸، ۲۴۵) و از آنجاکه پایه و اساس سعادت و رستگاری، از این مرحله آغاز می‌گردد، بر پدر و مادر لازم است تمام تلاش خود را جهت تربیت کودک خود به کار ببندند. و بنابر آیه‌ی قرآن کریم که می‌فرماید: در هر کاری از راه‌های آن داخل شوید. (بقره/ ۱۸۹) بر والدین لازم است به شناخت شیوه‌ها و عوامل مؤثر در تربیت کودکان بپردازند تا در پرتو آن، تربیت صحیح کودکان به طور مطلوب تأمین شود و کودکان به سعادت و کمال برسند و همچنین جامعه، از محیطی سالم برخوردار باشد. (فلسفی، ۱۳۶۴، ۸۰/۲)

روش‌های گوناگونی برای تربیت کودکان وجود دارد. از جمله: تربیت از طریق الگو سازی، عادت، موعظه، تشویق، بیان قصه، امر و نهی، قهر و تنبیه بدنی.



روشی که در مورد جواز آن اختلاف و نزاع وجود دارد و در مقاله حاضر انشاءالله به آن خواهیم پرداخت، روش تربیت کودک از طریق تنبیه و ضرب کودک است.

از جمله سوالات و اختلافاتی که در مورد این روش وجود دارد این است که: آیا تنبیه از نظر اسلام و اخلاق جایگاهی در تربیت صحیح دارد یا خیر؟ آیا تنبیه با شخصیت و مصلحت کودک منافات ندارد؟ ادله مخالفان و موافقان تنبیه چیست؟ اگر استفاده از این روش جایز است با چه اصول و شرایطی می‌توان از آن استفاده کرد؟ برای تحقیق این مسائل در آغاز به بررسی مفهوم تربیت، کودک و تنبیه می‌پردازیم و به دلیل این که تنبیه یکی از راه‌های تربیت کودک می‌باشد، ابتدا اهمیت تربیت کودک در اسلام و بعد از آن مراحل تربیت و عوامل تأثیر تربیت را بیان می‌کنیم و در نهایت به ذکر مطالب مربوط به نقد و پذیرش تنبیه می‌پردازیم.

۱- مفاهیم

۱-۱- تربیت

تربیت از ریشه ربو گرفته شده و در لغت به معنای زیادت و فزونی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴، ۳۰۴) و ربو اصلش از مضاعف یعنی رب بوده و رب در اصل به معنی تربیت و پرورش است؛ یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حال دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام و کمال خود برسد. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶) همچنین رب به معنای مدبر، مربی، مالک، قیم،... و نیز اصلاح کننده‌ی هر چیز گفته شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱، ۳۹۹)

تربیت در اصطلاح عبارت‌اند از: «انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند» (انصاری و دیگران، ۱۴۲۸ق، ۳/۲۵۷).

مقصود از تربیت کودک به طور خاص آن است که: مربی، اعم از پدر، مادر، معلم و...، طفل را در بُعد روحی و اخلاقی پرورش دهد، به گونه‌ای که جسم و جان و عقل و علم او افزایش یابد و در این باره به طوری انجام وظیفه نماید که آنچه به مصلحت اوست از امور مربوط به دین و دنیای وی، انجام پذیرد. (انصاری و دیگران، ۱۴۲۸ق، ۳/۲۶۰) در حقوقی مدنی نیز تربیت را این گونه تعریف می‌نماید: «تربیت طفل عبارت است از آموختن آداب اجتماعی و اخلاق متناسب با محیط خانوادگی او و همچنین کوشش در



فراگرفتن علم یا صنعت یا حرفه متناسب با زمان و وضعیت اجتماعی خانوادگی که بعداً بتواند به وسیله به دست آوردن عایدات کافی، زندگانی خود را به رفاه بگذارند» (امامی، ۱۳۷۶، ۱۹۰/۵).

۲-۱) کودک

از آنجا که درباره تنبیه کودک سخن می‌گوییم، ضروری است بدانیم کودک کیست؟ کودک یا صغیر در لغت به معنای فرزند انسان می‌باشد که معادل آن در زبان عربی طفل است. (ابن زکریا، ۱۴۰۴، ۴۱۳/۳)

در اصطلاح فقهی، کودک یا صغیر، کسی است که به بلوغ نرسیده و محجور است و نمی‌تواند در اموال خود تصرف کند. (خمینی، ۱۴۰۸، ۱۲/۲)

در اصطلاح حقوقی نیز، کودک یا صغیر به کسی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده و کبیر نشده است. (صفائی، قاسم زاده، ۱۳۸۲، ۲۰۳)

در قانون مجازات مدنی، شروع سن مسئولیت کیفری، معادل بلوغ شرعی دانسته شده است. (ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۹۲)

در مقاله حاضر؛ چون تنبیه کودک توسط والدین (نه حاکم) مطرح است باید به معیار عرفی رجوع نمود. این معیار در مورد رفتارهای مختلف متفاوت است. بنابراین برای تنبیه، سن مشخصی را نمی‌توان بیان کرد. اگر چه عرف، برای دوره‌های سنی خاص، انواع متفاوتی از تنبیه را مناسب می‌بیند.

۳-۱) تنبیه: تنبیه در لغت به معنای بیدار کردن، هوشیار ساختن و آگاه کردن کسی بر امری می‌باشد. (عمید، ۱۳۸۱، ۷۳۴/۱)

تنبیه در اصطلاح روانشناسی به معنای به کارگیری محرک آزار دهنده به دنبال یک رفتار نامطلوب، برای کاستن از احتمال وقوع رفتاری نامطلوب می‌باشد. (سیف، ۱۳۹۱، ۱۱۳)

به دلیل آن که تنبیه از آخرین روش از روش‌های تربیت بوده؛ بنابراین ابتدا به بیان اهمیت تربیت سپس به ذکر مراحل و روش‌های تربیت می‌پردازیم.

۲- اهمیت تربیت کودک در اسلام

در روایات، از تربیت به عنوان بهترین ارث پدر برای فرزند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۵۰/۸) و بهترین هدیه پدر به وی (نوری، ۱۴۰۸، ۱۶۴/۱۵) یاد شده است. از پیامبر اعظم ﷺ نقل شده که فرموده‌اند: شما در مقابل یکدیگر



مسئولیت دارید. مرد نسبت به خانواده، و اهل بیت خویش نگاهبان است و باید آن‌ها را محافظت نماید و در مورد آنان مسئولیت دارد، زن نیز نسبت به فرزندانش این گونه می‌باشد. (ورام، ۱۳۸۷، ۱/ ۲۵).

امام سجاد علیه السلام در رساله‌ای که به رساله حقوق شهرت یافته خطاب به پدران فرموده است: شما در مقابل فرزند که ولایت و سرپرستی او را دارید مسئول می‌باشید، تا به نحو شایسته او را تربیت نمایید و به راهی که بتواند خداوند را بشناسد، راهنمایی و هدایت کنید. (نوری، ۱۴۰۸، ۱۶۸/۱۵)

اهمیت اهتمام والدین به تربیت از ارتباط وثیق آن با هدایت و سعادت یا ضلالت و شقاوت مورد اشاره در این روایت هویداست بلکه در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: هر طفلی بر فطرت خداشناسی و توحید (اسلام) متولد می‌شود و پدر و مادر او سبب می‌شوند تا به دین یهود، نصاری یا غیر این دو گرایش پیدا کند. (عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲۵/۱۵) در روایات اسلامی، علاوه بر بیان اهمیت تربیت، به جزئیاتی از آن نیز اشاره شده است یکی از این موارد توجه دادن به تأثیر تربیت در سنین خردسالی و سفارش والدین نسبت به مبادرت به این مهم از سنین ابتدایی است. به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام: «آموزش در کودکی، همانند نقش بر سنگ است که هرگز از بین نمی‌رود» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۱/ ۲۲۴).

۳- مراحل تربیت

از مهم‌ترین مسائل تعلیم و تربیت، شناخت عوامل و راه‌های مؤثر آن است، تا در پرتو آن آموزش و تربیت به‌درستی و به‌طور مطلوب تأمین شود. (انصاری و دیگران، ۱۴۲۸، ق، ۳/ ۳۶۱)

تربیت کودک، در سنین مختلف، ابزار ویژه خود را دارد. لذا در روایات دیده می‌شود که سه مرحله کلی برای بیان چگونگی رویارویی با فرزند مطرح شده است: مرحله‌ی آزاد بودن یا آموزش از طریق سرگرمی و بازی؛ مرحله‌ی دوم، آموزش فرمانبری و تعلیم خوب و بدها و مرحله‌ی سوم آموزش در قالب مشورت. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «بگذار فرزندت تا هفت سال به بازی بپردازد، در هفت سال دوم به تأدیب و تربیت او همت گمار و در هفت سال سوم مراقب او باش» (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱/ ۴۷۵).

در روایت دیگری نقل شده که: «در هفت سال سوم مانند وزیر و مشاور با او رفتار کن» (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱/ ۴۷۶).

مرحله اول: بازی و سرگرمی: در قرآن آمده است: «زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و تفاخر در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است» (حدید/۲۰). در این آیه شریفه مراحل مختلف عمر بشر و انگیزه‌های حاکم بر هر مرحله را پنج مرحله یعنی بازی و غفلت، سرگرمی، تجمل، تفاخر و





تکثیر بیان شده و نخستین مرحله، دوران کودکی است که زندگی در هاله‌ای از غفلت و بی‌خبری و بازی و سرگرمی فرو می‌رود. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ۱۶۴/۱۹)

در حقیقت بازی‌های کودکان به منزله هستی‌حیاتی برای همه دوره‌های زندگی است؛ زیرا رشد و بروز شخصیت کودک از راه بازی میسر است و در حقیقت بازی موجب بروز استعداد و شخصیت می‌شود و از سوی دیگر بسیاری از ناهنجاری‌های کودکان را به‌وسیله آن می‌توان درمان کرد. (کشاوریز_قلی‌ها، ۱۳۹۱، ۳۶)

بازی راهی است که به‌وسیله آن بچه‌ها امور را می‌آموزند. اموری که هیچکس قادر به آموزش آن به کودک نیست. بازی دریچه‌ایست برای کشف واقعیت‌های دنیای خارج از طرف کودک. (مهجور، ۴۲، ۱۳۷۰) در واقع می‌توان گفت: کودکان بیش از هر چیز از بازی‌های خود مطلب می‌آموزند. (کشاوریز_قلی‌ها، ۱۳۹۱، ۳۶)

در خاتمه لازم است یادآوری شود، مقصود از آزادی کودک در این مرحله، این نیست که والدین کودک او را برای هر نوع بازی آزاد بگذارند، حتی بازی‌هایی که برای جسم و روح او مضر باشد؛ بلکه باید با ایجاد تنوع و کنترل بازی‌ها در جهت رشد جسمی و روحی کودک گام برداشته شود و از بازی‌های خشن، مخرب و آزار دهنده جلوگیری به عمل آید. (انصاری و دیگران، ۱۴۲۸ق، ۳۶۸/۳)

مرحله‌ی دوم: آمادگی برای تعلیم و تربیت

در روایات، هفت سال دوم عمر کودک را دوران تعلیم و تربیت نامیده‌اند؛ زیرا کودک در این سنین مفاهیم را درک می‌کند و خوب‌وبد، نفع‌وضرر، و زشت‌وزیبا را می‌فهمد و به‌طور جدی آمادگی و استعداد برای تعلیم و تربیت در او پیدا می‌شود. (انصاری و دیگران، ۱۴۲۸ق، ۳۷۰/۳)

مرحله‌ی سوم: مشاوره و بروز استعدادها

این مرحله تقریباً از اوایل بلوغ شروع می‌شود و در آن، نوجوان توان اظهار استعداد خویش را دارد؛ بنابراین والدین باید با مشورت و ایجاد زمینه‌های مناسب، او را در بروز استعدادهایش یاری نمایند. (انصاری و دیگران، ۱۴۲۸ق، ۳۷۲/۳)



۴-۱) حفظ شخصیت کودک

پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید: وقتی نام فرزندان را می‌برید او را گرامی بدانید و در مجلس خود برای او جای باز کنید و احترامش نمایید و نسبت به او رو ترش نکنید. (شعیری، بی تا، ۱۰۶)

اولین شرط تربیت صحیح و پرورش شخصیت و استقلال کودک آن است که پدران و مادران، فرزندان خود را بشناسند و ارزش حقیقی آنها را از نظر دور ندارند، باور کنند که طفل آنها یک انسان واقعی است، ولی ضعیف و ناتوان. یک بشر حقیقی است و دارای ذخایر و سرمایه‌های بزرگ انسانی که باید به تدریج استعدادهای درونی‌اش شکفته شوند و از قوه به فعلیت بیایند. (فلسفی، ۱۳۶۴، ۸۰/۲)

کودکی که در خانواده مورد احترام قرار می‌گیرد، ارزش خود را درک می‌کند و با استقلال، با اراده و با اعتماد به نفس بار می‌آید و کمتر از اوامر پدر و مادر سرپیچی می‌کند. و روزی که بزرگ شد به عنوان یک عضو مستقل جامعه خود را فرومایه نمی‌بیند و پستی و حقارت در او راه ندارد. (فلسفی، ۱۳۶۴، ۹۵/۲ و ۱۱۹) در روایات دو نمونه از شخصیت دادن به کودک مشاهده می‌شود. اولین مورد در قالب حقوق فرزند، از حق اسم خوب داشتن صحبت شده است. پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «اولین هدیه‌ای که هر یک از شما به فرزندش می‌بخشد نام خوب است. پس بهترین نام را برای فرزند خود انتخاب کنید» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۱۳۰/۱۰۱؛ همچنین ن.ک. عاملی، ۱۴۰۹، ۳۹۰/۲۱؛ نوری، ۱۴۰۸، ۱۲/۱۵).

یکی از علل احیای حقارت که از دوران کودکی شروع می‌شود، اسم و لقب بد است. اسمی که والدین روی کودک می‌گذارند تا لحظه‌ی مرگ شریک زندگی اوست و پیوسته او را رنج می‌دهد. (فلسفی، ۱۳۶۴، ۲۳۲/۲)

در دومین مورد، از احترام به کودک، صحبت شده است. پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «به فرزندان خود احترام کنید و به روش و آداب پسندیده با آنها معاشرت نمایید.» (یعنی به آنها شخصیت بدهید برای آنها بها، ارزش و کرامت قائل شوید) (نوری، ۱۴۰۸، ۱۶۸/۱۵)

۴-۲) محبت به کودک

یکی از امور لازم و مهم در فرایند تربیت، ایجاد ارتباط سالم بین والدین و کودک است چرا که در این صورت کودک آمادگی بیشتری برای پذیرش آموزه‌های تربیتی خواهد داشت. واضح است، بهترین نوع رابطه، آن است که براساس محبت شکل گیرد. به همین جهت است که خداوند متعال در قرآن کریم سخن خود را با محبت یعنی با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز کرده است. بی تردید آغاز کلام خداوند با محبت نسبت به بندگان او، یک نوع رابطه محبت‌آمیز را تشکیل می‌دهد.



محبت به کودک آثار تربیتی بسیاری دارد از جمله: باعث ایجاد احساس امنیت عاطفی می‌شود. والدین موظفند با بذل محبت به کودک، او را از عوارض نامطلوب کمبود محبت مصون داشته، و در حالت اعتدال روحی و روانی قرار دهند. یکی دیگر از آثار محبت به کودک پرورش اعتماد به نفس در وجود اوست که زمینه ساز موفقیت او در زندگی فردی و اجتماعی خواهد بود و سومین اثر از آثار محبت به کودک جلب اعتماد او به شخص محبت کننده است. والدین می‌توانند با محبت به کودک، علاقه‌ی او را به خود جلب نموده، و روحیه‌ی حرف‌شنوی را در او تقویت نمایند؛ همانطور که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: انسان با کسی همراه است که او را دوست می‌دارد. (قمی، ۱۴۱۴ق، ۱۴/۲)

از دیگر آثار محبت به کودک، مصون داشتن او از انحرافات اخلاقی است. در واقع انحراف، لغزش و لجبازی بسیاری از کودکان در فقدان محبت و عدم تامین نیازهای عاطفی آنان نهفته است. بنابراین والدین موظفند با محبت به کودک، او را از بسیاری لغزش‌ها و انحرافات و همچنین از دیگر عوارض نامطلوبی که ناشی از فقدان محبت است، مصون داشت. (عارفی، ۱۶/۱۳۸۹، ۲۲۵)

شهید مطهری نیز تأثیر نیروی محبت را به آهن‌ربایی که صفات رذیله را جمع می‌کند و دور می‌ریزد تشبیه می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۰، ۷۲)

از جمله مصادیق محبت به کودک بوسیدن وی و ارتباط لمسی با کودک است. در روایات آن‌چنان به محبت و بوسیدن کودک اهمیت داده شده که پیامبر اکرم درباره مردی که گفت من هرگز کودکی را نبوسیده‌ام فرمودند: این مرد در نظر من از دوزخیان است. (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۱۱/۸) همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اولاد خود را زیاد ببوسید؛ زیرا در مقابل هر بوسه، درجه‌ای از درجات بهشت به شما خواهند داد. (عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۵/۲۱؛ همچنین ن.ک. کلینی، ۱۴۲۹، ۴۹۹/۱۱؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ۲۶۱/۴۳)

در تحقیقات اخیر ثابت شده که بچه‌ها به لمس با محبت نیاز دارند. دکتر تیفانی می‌گوید: تماس عاشقانه سرمنشا تغییرات فیزیولوژیکی است که به رشد و تکامل بچه‌ها کمک می‌کند، اعصاب و مغز را تحریک می‌نماید، جذب غذا را آسان‌تر می‌کند، سطح فشار هورمونی را کاهش می‌دهد و عملکرد سیستم ایمنی بدن را بهبود می‌بخشد. (ویمالا مک کولر، ۱۳۸۱، ۲۵)

یکی دیگر از مصادیق روشن اظهار محبت نسبت به کودکان، مسرور نمودن آن‌هاست. پیامبر اعظم ﷺ می‌فرماید: «اگر کسی وارد بازار شود و هدایایی را برای زن و فرزندان خود خریداری نماید و با این کار آن‌ها را مسرور نماید، گویا هدیه برای گروهی نیازمند برده است و بهتر است ابتدا هدیه را به دختران خود بدهد قبل از پسران؛ زیرا اگر کسی دختر خود را خوشحال نماید، خداوند پاداش آزاد کردن بنده‌ای از





فرزندان اسماعیل به او عطا می‌فرماید و اگر کسی فرزند خود را شادمان و مسرور نماید، پاداش گریه از خوف خدا به او داده می‌شود و کسی که از خوف خدا گریست، خداوند او را به بهشتی که دارای نعمت‌های بزرگ است، داخل نماید» (عاملی، ۱۴۰۹، ۵۱۴/۲۱).

از دیگر مصادیق محبت به کودک، شرکت در بازی آن‌هاست. در روایات توصیه شده، والدین خود را به روش کودکان در آورند و بچگی کنند؛ یعنی رفتار کودکانه انجام دهد و خود را به صورت هم‌بازی او درآورد. (کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۳۸۸/۲۳؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۴۸۲/۳).

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: «بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم، در حالی که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بر پشت آن حضرت سوار بودند و پیامبر در حال سواری با آنان صحبت می‌کردند. پیامبر به آنان می‌گفت: چه شتر خوبی دارید و شما چه سواران خوبی هستید» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۲۸۵/۴۳).

موقعی که پدر و مادر خود را تنزل می‌دهند و در بازی کودکان شرکت می‌کنند، جان طفل از مسرت و شادی لبریز می‌شود، و در باطن خویش احساس می‌کند که کارهای کودکانه‌ی او آنقدر ارزنده است، که پدر و مادر با او همکاری می‌کنند. چنین احساسی، شخصیت را در طفل زنده می‌کند و حس استقلال و اعتماد، در باطن او شکفته می‌شود. (فلسفی، ۱۳۶۴، ۱۲۸/۲).

در واقع بزرگسالان با شرکت در بازی کودکان می‌توانند مقصود و منظور خود را به کودکان آموخته و در واقع به جای استفاده از کلام که برای کودکان گنگ و نامفهوم است از بازی استفاده نمایند. (مهجور، ۱۳۷۰، ۴۳).

نکته) اجتناب از افراط در محبت به کودک: از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرموده‌اند: «بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان، از حد لازم تجاوز کنند و به زیاده‌روی و افراط بگرایند و بدترین فرزندان کسانی هستند که در اثر تقصیر و کوتاهی در انجام وظایف، پدر را از خود ناراضی نمایند» (یعقوبی، بی تا، ۳۹۱/۲).

یکی از علل پیدایش عقده‌ی حقارت، زیاده‌روی در اعمال محبت نسبت به کودک است. اطفالی که بیش از اندازه مورد مهر و نوازش واقع می‌شوند در نتیجه لوس و از خودراضی بار می‌آیند در واقع اهمیت و ارزش اندازه‌گیری صحیح در کم و کیف محبت و طرز اعمال آن کمتر از اصل محبت نیست. (فلسفی، ۱۳۶۴، ۲۴۳/۲).



۵- روش‌های تربیت کودک

۱-۵) روش‌های تهی از محرک ناراحت کننده

۱-۱-۵) تربیت از طریق اسوه و الگو بودن والدین برای کودکان

وجود گزینه تقلید در کودکان، زمینه‌ساز تاثیرپذیری آن‌ها از الگوهاست. در واقع پدر و مادر با اعمال و رفتار مناسب به شکل غیرکلامی ارزش‌ها و هنجارها را در رفتار کودک ایجاد می‌کنند. (خلجی ۱۳۹۰/۱۵۹)

همانطور که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: مردم را با رفتار خود رهبری کنید نه با زبان خویش. (حمیری، ۱۴۱۳، ۷۷)

همچنین آن حضرت در روایت دیگر می‌فرمایند: «اگر عالم بر طبق دانایی خویش رفتار نکند، نصیحت او از دل‌ها همچون باران، از روی سنگ می‌لغزد» (کلینی، ۱۴۲۹، ۴۴/۱؛ همچنین ن.ک مجلسی، ۱۴۱۰، ۶۸/۷۵).

۲-۱-۵) تربیت از طریق عادت دادن کودکان به رفتار پسندیده

چه زیباست کلام امیرالمؤمنین علیه السلام که در وصایای خود خطاب به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «قلب و دل کودک، همانند زمینی بدون گیاه و آماده کشت و زرع است، هر نمونه بذر و گیاهی که در آن افشاندن شود، می‌پذیرد. به همین جهت در کودکی به تربیت تو مبادرت نمودم، قبل از آن که قلبت سخت شود و به امور دیگر مشغول گردد» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ۳۳۷).

در حقیقت کودک قبل از این که عقلش به فعلیت برسد و قادر به درک مطالب علمی گردد، فطرت توحیدی و عواطف اخلاقی در ضمیر او فعلیت دارد و برای پذیرش تربیت آماده است. بر والدین لازم است از این فرصت و از بیداری فطرت ایمانی کودک حداکثر استفاده را بکنند و ایمان به خدا و سجایای اخلاقی را در وی پرورش و عادت دهند. (فلسفی، ۱۳۶۴، ۱۸۴/۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «عادت و خوی، بر رفتار هر انسانی سلطه پیدا می‌کند و آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد» (امدی، ۱۴۱۰، ۳۰۹).

۳-۱-۵) تربیت از طریق موعظه

از آنجایی که انسان مدام در زندگی در معرض لغزش و غفلت است نیازمند موعظه است و تا آن اندازه دارای اهمیت است که بنابر فرموده‌ی امام سجاد علیه السلام: فقدانش برابر با هلاکت آدمی است. (اربلی، ۱۳۸۱ق، ۱۱۳/۲)



قرآن کریم در خطاب به پیامبر اعظم ﷺ می‌فرماید: «پیوسته تذکر و اندرز ده، زیرا تذکر، مؤمنان را سود می‌بخشد» (ذاریات ۵۵). هم‌چنین انبیاء و اولیاء الهی در تربیت امت و فرزندان خویش از روش موعظه بهره گرفته‌اند، در قرآن در مورد مواعظ لقمان به فرزندش به تفصیل سخن به میان آمده. لقمان فرزندش را به مهم‌ترین مسائل اعتقادی، یعنی توحید و هم‌چنین به نماز و نیز به امر به معروف و نهی از منکر گوشزد می‌نماید. (لقمان ۱۳ و ۱۷)

امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «قلب خود را با موعظه زنده کن» (حرانی، ۱۴۰۴، ۶۹؛ هم‌چنین ن.ک. امدی، ۱۴۱۳ق ۵۱). البته باید دانست موعظه آدابی دارد مهم‌ترین مساله اینکه موعظه کننده خود به آنچه می‌گوید، عمل کند. موعظه را دور از چشم دیگران، با اظهار محبت و با گفتار نیک انجام دهند؛ هم‌چنین لازم است موعظه به صورت کنایه و به دور از خشونت و تندی و تحقیر و سرزنش انجام شود. (انصاری و دیگران، ۱۴۲۸ق، ۴۰۲/۳)

در روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: زیاده‌روی در سرزنش، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌کند. (آمدی، ۱۴۱۰، ۹۴) و اینکه از تکرار سرزنش بپرهیزید که این کار باعث پیوستن به گناه و بی‌اثر کردن ملامت است. (آمدی، ۱۴۱۰، ۲۶۰؛ هم‌چنین ن.ک. ری شهری، ۱۳۶۷، ۷۶/۱)

۵-۱-۴) تربیت از طریق تشویق

یکی از تمایلات فطری انسان که از دوران کودکی آشکار می‌شود، میل به تحسین دیگران است. در واقع در سایه تشویق و تحسین استعدادهای درونی افراد به فعلیت می‌رسد و کمالات نهایی مردم آشکار می‌گردد. (فلسفی، ۱۳۶۴، ۳۳۳/۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره اثرات تشویق ضمن نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد: «یاد کردن کارهای نیک، انسان دلیر را به کوشش و حرکت بیشتر برمی‌انگیزد و انسان عقب مانده را به کار و تلاش ترغیب می‌کند» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ۳۷۳).

یکی از بزرگ‌ترین روانشناسان عصر حاضر «دکتر ماگدوگان» می‌گوید: تقریباً تمام اطفال بدون استثنا نیاز دارند که نیروی استعدادشان به درستی ارزیابی شود و در به کار گرفتن آنها مورد تشویق و ترغیب قرار گیرند تا شخصیت خویش را بر پایه اعتماد و اتکاء به نفس بنا نهند. (۱۳۶۲، ۳۵)



البته نکته قابل توجه‌ای که در این مرحله باید به آن عمل شود این است که تشویق باید به اندازه لازم صورت پذیرد، افراط و مبالغه در آن، اثر آن را از بین می‌برد. همچنین والدین باید توجه داشته باشند که کردار پسندیده کودک را (نه شخصیت وی را) مورد تشویق قرار دهند. (انصاری و دیگران، ۱۴۲۸ق، ۴۱۶/۳)

۵-۱-۵) تربیت از طریق بیان قصه

یکی از کارهایی که کودکان به آن علاقه دارند، شنیدن قصه است. قصه اگر جذاب و مناسب، طراحی و بیان شود کودک و نوجوان می‌کوشد خود را با شخصیت آن قصه همانند سازد. والدین می‌توانند با بیان داستان‌های جذاب به ساخت الگوی معنوی ذهن آنان بپردازند و زمینه علاقه و انگیزه آنان را در انجام مسائل معنوی فراهم آورند. (خلجی، ۱۳۹۰، ۱۷۶)

۶-۱-۵) تربیت از طریق ملازمه و امر و نهی به کودک

منظور از این نوع تربیت، همراه بودن با فرزندان در شکل دادن به عقیده و اخلاق کودک و مراقبت از فرزند در آماده کردن فردی و اجتماعی وی و پیگیری پیوسته از وضعیت کودک در تربیت جسمی، اخلاقی و تحصیل علمی و... می‌باشد؛ و تردیدی نیست در اینکه این نوع از تربیت، از مستحکم‌ترین پایه‌های تربیتی در رشد یک انسان متوازن و متکامل می‌باشد. (انصاری و دیگران، ۱۴۲۸ق، ۴۲۳/۳)

۲-۵) تربیت از طریق به کارگیری محرک ناراحت کننده (تنبیه)

تنبیه مورد تایید بسیاری از روانشناسان قرار دارد. ادوینری گاتری معتقد است: تنبیه به سبب این که نحوه‌ی پاسخ‌دهی فرد به محرک‌های معین را تغییر می‌دهد موثر است. در حقیقت، تنبیه به این علت در تغییر دادن رفتار نامطلوب موثر است که رفتار ناهم‌ساز با رفتار تنبیه شده را ایجاد می‌کند. (السون، هرگنهان، ۱۳۹۱، ۲۷۸) و اترچین نیز نگاشته است: «هر کودکی باید بفهمد که در صورت نافرمانی و سرپیچی از اطاعت، بزرگسالان با او برخورد نامطلوبی خواهند داشت. اگر کودک به خاطر عمل اشتباه خود تنبیه نشود تصور می‌کند که عمل او به‌طور ضمنی تایید شده است» (رونالدس، ۱۳۶۸، ۶۳).



۵-۲-۱) تربیت از طریق قهر و دوری از کودک

از جمله روش‌های تربیت، قهر با کودک است؛ به این صورت که پدر و مادر یا یکی از آن‌ها در مدت زمان کوتاه از کودک دوری می‌کنند و با او سخن نمی‌گویند یا اجازه ورود به مجلسی را به او نمی‌دهند یا غیر از این موارد. (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۴۲۵/۳)

امام کاظم علیه السلام به یکی از یاران خود که از دست فرزندش به ستوه آمده بود و شکایت می‌کرد فرمودند: او را نزن بلکه با او قهر کن اما خیلی طول نکشد. (حلی، ۱۴۰۷، ۸۹)

۵-۲-۲) تربیت از طریق محروم سازی و جریمه کردن

محروم‌سازی از دیگر روش‌های کارآمدی است که در آن کودک، به علت نافرمانی و انجام عمل زشت خود، به مدت معینی که نباید طولانی باشد از چیزی که مورد علاقه‌اش است محروم می‌شود.

۵-۲-۳) تربیت از طریق ضرب کودک

این مرحله از آخرین مراحل تربیت بوده به صورتی که زمانی که پدر و مادر از تمامی طرق اصلاحی دیگر عاجز شدند با رعایت کیفیات و کمیات از این روش استفاده می‌کنند. در تأیید این مطلب در روایت ذکر شده: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به سوال یکی از اصحاب نسبت عصیان اهل و خانواده‌اش، سه مرتبه فرمودند: آن‌ها را ببخش و عفو کن و در مرتبه چهارم فرمودند: اگر خواستی تنبیه کنی به اندازه جرم و گناه، او را تنبیه کن. (نور الدین هیثمی، ۱۴۱۴ق، ۱۰۶/۸)

البته نکته حائز اهمیتی که ذکر آن لازم است این است که در هنگام تنبیه کودکان در نظر گرفتن مصلحت کودک الزامی است. نباید کودک را به خاطر تشفی خاطر خود تنبیه کرد، بلکه همواره باید صلاح کودک را مدنظر داشت. در واقع مهم‌ترین عاملی که اقدامات والدین و سرپرستان را نسبت به کودکان جهت می‌دهد، رعایت مصلحت، خیر و صلاح، به تعبیر دینی، «غبطه» آنان است. از این رو در حقوق اسلام هیچ مرئی یا سرپرستی نمی‌تواند بدون رعایت مصلحت کودک اقدامی را مرتکب شود. (انصاری، احکام کودکان در اسلام، ۱۶/۱)

در اسلام تنبیهی پذیرفته شده است که راستای مصالح کودک باشد همان طور که هر اقدام ولی برای فرزند اعم از امور مالی (خرید برای کودک، قرض دادن یا قرض گرفتن برای کودک) و غیر مالی (مانند ازدواج) در صورت رعایت مصلحت کودک صحیح است.



همچنین در روایات از تنبیه در هنگام خشم نهی شده است؛ به دلیل آن که مبدا از روی تشفی و بی‌توجهی به مصالح کودک باشد. (ری شهری، ۱۳۶۷، ۷۶/۱) (همان)

۶- اصول کلی تنبیه:

اصل اول: رعایت مراتب در تنبیه

در تنبیه باید مراحل و مراتب آن را رعایت کرد و باید از مرحله ضعیف شروع کرد؛ چرا که شاید با اجرای مرحله‌ی ضعیف کودک به اشتباه خود پی‌برد و اصلاح شود. همانطور که در مراحل امر به معروف و نهی از منکر، ابتدا از مرحله‌ی ضعیف، مثل اظهار کراهت و سخن‌لین شروع می‌شود و در صورت عدم تأثیر مراحل قبلی از مرحله‌ی بعدی استفاده می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۳۷، ۳۶۷/۲).

بنابراین اگر کودک قبل از اینکه تنبیه شود، متنبه شد، نباید او را تنبیه کرد؛ زیرا هدف از تنبیه، اصلاح کودک است. وقتی هدف حاصل شد، تنبیه معنی ندارد همچنین اگر بعد از تنبیه رفتار کودک اصلاح شد، دیگر نباید رفتار خلاف او را به رخ کشید و آن را بهانه‌ای برای تنبیه قرار دهیم.

اصل دوم: رعایت اثرگذاری در تنبیه

در تنبیه باید رعایت سن، شخصیت، حالات روحی، ضعف و قوت کودک را در نظر داشت؛ چرا که توجه به این امور، در مفید و مؤثر بودن یا برجا گذاشتن اثر منفی نقش مهمی دارد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: کیفر خردمندان، کنایه‌زدن است و کیفر نادانان آشکارا گفتن. (ری شهری، ۱۳۶۷، ۷۷/۱)

همچنین ایشان می‌فرمایند: اصلاح کردن نیکان با گرامی داشتن آن‌ها، و اصلاح کردن بدکاران با تأدیب (تنبیه) آنان است. (همان)

اصل سوم: آسیب نرساندن به کودک

باتوجه به اینکه هدف از تنبیه اصلاح و تربیت کودکان و نه آسیب رساندن به آنان است باید در این زمینه مراقبت کافی نمود. امام‌صادق علیه السلام مدارا با کودک به هنگام تنبیه بدنی را به حماد بن عثمان متذکر می‌شوند (عاملی، ۱۴۰۹، ۳۷۲/۲۸)

به‌علاوه در روایات، از زدن به نقاط حساس بدن کودک مانند سر و صورت (نورالدین هاشمی، ۱۴۱۴ق، ۱۰۶/۸) یا زدن که موجب سرخی یا کبودی بدن یا به تعبیری موجب پرداخت دیه شود به فتوای فقها نهی شده است. (خمينی، ۱۳۸۷، ۶۹۱/۲)



اصل چهارم: آگاهی کودک از علت تنبیه

کودک باید علت تنبیه را بداند؛ زیرا اگر نفهمد برای چه تنبیه می‌شود، روحش به کلی مشوش می‌شود، و اثر مطلوب را ندارد. (مطهری ۱۳۸۵: ۴۶) گاهی اوقات پیش از این که کودک معنای گناه را بفهمد او را تنبیه می‌کنند، با این ترتیب از اول تخم بدی را در دلش می‌کارند و بعد از اینکه موجود شریبری شد، شکایت می‌کنند که چرا باید این‌طور باشد. (پیاژه، بی تا، ۳۶)

۷- بررسی مشروعیت تنبیه بدنی

اکنون این پرسش ایجاد می‌شود که آیا تنبیه بدنی از نظر شرعی جایز است. آنچه در این باره گفته شده یا می‌توان گفت در چهار مورد قابل بررسی است. از این رو ابتدا دلایلی بر عدم پذیرش تنبیه بدنی اقامه می‌شود سپس مورد نقد و بررسی قرار گرفته، دلایل پذیرش آن مطرح و تقویت می‌گردد.

۷-۱) ادله مخالفان تنبیه

۷-۱-۱) خداوند متعال همه افراد را آزاد آفریده و حق قانون‌گذاری را بر اساس آیه شریفه «إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ لَئَلَّ لَئَلَّ» (غافر / ۵۲) (یوسف / ۴۰ و ۶۷) تنها برای خود تعیین کرده؛ بنابراین نمی‌توان بر دیگران حکم رانی کرد و بر آنان حکمی مانند تنبیه صادر کرد.

۷-۱-۲) در آیات قرآن کریم ظلم در حق دیگران عملی قبیح و حرام دانسته شده است؛ چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الظَّالِمِينَ» (ال عمران / ۱۵۱) «الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ابراهیم / ۲۲) تنبیه بدنی کودک ظلمی است که از سوی والدین بر فرزند روا داشته شده است.

۷-۱-۳) در روایت اذیت کردن هر مومنی نکوهش شده است. امام علی (ع) فرمود: هرکس بنده مومن‌ام را اذیت کند با من اعلام جنگ کرده است و هرکس بنده مومن‌ام را اکرام کند از غضب من در امان است. (صدوق، ۱۴۰۶، ۲۳۸) تنبیه بدنی کودکان، به دلیل این که موجب رسیدن آسیب جسمی و روحی به آنان می‌شود، یکی از مصادیق اذیت و ظلم بوده که در اسلام از آن نهی شده است.

۷-۱-۴) علاوه بر تمامی این‌ها آنچه در سنت وارد شده توصیه به محبت و رحم و اکرام کودکان شده است. رسول اعظم (ص) می‌فرماید: نسبت به کودکان خود ترحم و عطف داشته باشید. (عاملی، ۱۴۰۹، ۳۱۳/۱۰؛ همچنین ن.ک. کلینی، ۱۴۲۹، ۱۱/۴۴۹؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۳/۸۲۳؛ حلی، ۱۴۰۷، ۸۹؛ ری شهری، ۱۳۶۷، ۱۳؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ۴۳/۲۸۲)



امام رضا علیه السلام می فرمایند: به فرزندانان خوبی کنید و به آنان نیکی نمایید زیرا آنان گمان می کنند که شما روزی آنان را می دهید. (منسوب به امام رضا، ۱۴۰۶، ۳۳۶)

۱-۲-۷) نقد و بررسی ادله مخالفان آیات و روایاتی که در مورد نهی از ظلم و آزار دیگران گفته شد، تنبیه بدنی کودکان را شامل نمی شود؛ چراکه هر نوع زدنی را نمی توان ظلم انگاشت. بنابراین چه در اصول حاکم بر تنبیه گفته شد پیداست که هیچ گونه قصد آزار، روشی که منجر به آزار شود یا اثر تربیتی بر آن مترتب نباشد، تجویز نشده است. بلکه اعتقاد ما بر آن است که صرفاً تنبیهی در شریعت مجاز دانسته شده که تمامی آنچه گفته شد در اعمال آن رعایت گردد. به این ترتیب باید گفت تنبیه بدنی از مصادیق روشن احسان به کودکان است چراکه سبب بازداشتن ایشان از انحرافات و کردارهای ناشایست بوده، باعث می شود تا فرزند از آلودگی پاک شود و در جهت کسب سعادت و خوشبختی به وی کمک گردد. بنابراین اطلاق آیه شریفه «مَاعَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» (توبه/۹۱) جواز آن را اثبات می نماید. (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۳/۳۴۷)

آیت الله گلپایگانی می گوید: والدین موظفند کودکان خود را در جهت کسب اخلاق کریمه و آداب پسندیده تربیت نمایند و بر انجام کردار نیکو، صفات مردانگی و کرامت عادت دهند و از آنچه به حال خود و دیگران مضر است، منع نمایند و به طور کلی ولی کودک وظیفه دارد او را به انجام آنچه صلاح و خیر است، ترغیب و تشویق نماید. تنبیه و تأدیب اطفال در این گونه موارد ظلم نیست، بلکه احسان به آنها است تا در زندگی دنیا سعادت مند و به نعمت های الهی در آخرت دسترسی پیدا کنند. (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ۲/۲۸۲)

همچنین آنچه از آیات قرآن، در مورد انحصار داشتن حاکمیت در خداوند گفته شد، مورد قبول است ولی به موجب شرع برای کسانی مانند پدر و حاکم ولایت ثابت شده است. این اولیاء چنانچه تنبیه بدنی را تنها راه اصلاح کودک بدانند مجازند که از آن استفاده نمایند. همان طور که از نظر متخصصین گاهی تنها راه تربیت کودک، تنبیه بدنی او شناخته شده است. به طور مثال گفته اند: «گاهی ممکن است رفتار نابهنجار کودک، آن چنان وخیم و خطرناک باشد که هیچ روشی برای تغییر و اصلاح آن جواب ندهد و به ناچار روش تنبیه تنها روش ممکن باشد مانند زمانی که رفتار نامطلوب کودک سلامت خودش و افراد دیگر را تهدید کند» (سیف، ۱۳۷۳، ۳۹۷).

در چنین شرایطی یا باید معتقد شد که ولی از صلاح فرزند چشم بپوشد و عوارض ناخوشایند آن را تحمل کند یا این که از اختیارات خود استفاده کند در حدود مطلوب پیش گفته، به تنبیه بدنی اقدام نماید. طبیعی است عقل سلیم مورد دوم را می پذیرد.



در مورد روایاتی که لزوم اکرام و محبت به فرزند را بیان می‌کند نیز باید گفت این روایات منافاتی با تنبیه کودک ندارد؛ چراکه تنبیه در مراحل بعد و در صورت عدم کارایی سایر روش‌های قبلی از جمله محبت و اکرام به کار برده می‌شود.

۷-۳) ادله موافقان تنبیه

۷-۳-۱) آیه ۶۹ حدید: قرآن کریم می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن، انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، محافظت نمایید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ.»

کلمه قوا، از مصدر وقایه و به معنای حفظ کردن چیزی از هر خطری که به آن صدمه بزند، و برایش مضر باشد است. (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ۲۱۷/۵) و مقصود از اهل، خانواده انسان می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۲۸/۱۱)

در تفسیر نمونه نیز بیان شده است که حق زنان و فرزند تنها با تامین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آن‌ها حاصل نمی‌شود مهم‌تر از آن تغذیه روح و جان آن‌ها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است. قابل توجه این‌که تعبیر به قوا، (نگاه‌دارید) اشاره به این است که اگر آن‌ها را به حال خود رها کنید خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می‌روند شما هستید که باید آن‌ها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید. (مکارم، ۱۳۷۴، ۲۸۷/۲۴)

بنابراین والدین موظف‌اند که مقدمات دوری فرزندشان را از هر عمل عذاب‌آور فراهم کنند و یکی از این اقدامات تنبیه بدنی کودک است؛ بنابراین اگر تنبیه بدنی کودک تنها راه برای اصلاح و تربیت وی و در امان ماندن از عذاب باشد واجب بوده یا حداقل رجحان خواهد داشت.

۷-۳-۲) روایات

روایاتی که در این زمینه قابل استناد است را می‌توان دو دسته دانست. در دسته نخست اصل تربیت مورد سفارش قرار گرفته است و از آنجا که تنبیه بدنی مرحله‌ای از تربیت است، می‌توان با استناد به اطلاق آن‌ها، دلیلی بر جواز اقامه نمود.

نمونه‌هایی از دسته نخست؛ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چون آیه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را از آتش ننگه دارید» نازل شد، مردم گفتند: یا رسول الله! چگونه خود و خانواده‌مان را حفظ



کنیم؟ فرمود: عمل خیر انجام دهید و آن را به خانواده خود نیز یادآوری کنید و بر پایه فرمان برداری از خدا پرورش شان دهید «ادبوهم». (نوری، ۱۴۰۸، ۲۰۱/۱۲)

امام علی علیه السلام در تفسیر همین آیه می فرمایند: خود و خانواده خود را به خوبی تعلیم دهید و آنان را ادب کنید «ادبوهم» (ری شهری، ۱۳۶۷، ۷۴/۱).

امام صادق علیه السلام می فرماید: فرزندت را بگذار تا سن هفت سالگی به بازی مشغول باشد، در هفت سال دوم او را ادب و تربیت کن، «یؤدب» در هفت سال سوم او را ملازم خود قرارده «الزمه نفسک» اگر رستگار شد که چه بهتر و گرنه خیری در او نیست. (قمی، ۱۴۱۴، ۵۷۹/۸)

آغاز تربیت به استناد این روایت از هفت سالگی شروع می شود و باید پیوسته ادامه داشته و کنترل شود چنانچه مفاد جمله «الزّمهُ نَفْسُکَ» چنین است.

مردی دست فرزندش را گرفته به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا، حق این فرزند بر من چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نامی نیک برای او انتخاب کن، به طور صحیح و شایسته او را تربیت کن. (کلینی، ۱۴۰۹، ۴۸/۶) به استناد این روایت تربیت کودک از حقوق وی دانسته شده است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرموده است: لعنت خداوند بر پدر و مادری که فرزند خویش را بد تربیت کنند و موجبات عاق خود را فراهم نمایند. بر پدر و مادر لازم است نسبت به فرزندان به وظیفه خویش عمل نموده و مورد عاق آن‌ها قرار نگیرند، چنانچه بر فرزندان نیز واجب است عاق پدر و مادر خویش نگردند. (عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۰/۲۱)

این روایت دلالت دارد بر اینکه همانطور که فرزندان ممکن است مورد عاق والدین قرار گیرند، والدین هم ممکن است به دلیل عدم انجام وظایف خود در قبال کودکان مورد عاق آن‌ها قرار گیرند. بنابراین بایستی والدین به وظایف شرعی و اخلاقی و انسانی خود در قبال فرزندان عمل کنند، تا مورد لعنت خداوند و عاق کودکان قرار نگیرند.

در دسته دوم روایاتی داریم که به خصوص ضرب اشاره شده است مانند آنچه در نهج البلاغه آمده است که در روایت وارد شده: «ضرب الوالد الولد کالسماذ للزرع» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۳۲۵/۲۰). یعنی این که پدر فرزندش را کتک بزند مانند کودی است که به زراعت داده می شود و امام صادق علیه السلام به حماد بن عثمان در مورد زدن فرزند، فرمودند به پنج یا شش ضربه اکتفا کن. (عاملی، ۱۴۰۹، ۳۷۲/۲۸) این روایات به روشنی دلالت بر جواز تنبیه بدنی می کند.



۷-۳-۳) سیره

سیره مستمره مسلمانان (مشرعه) این است که اولیای فرزندان، خود را ملزم به تربیت آنها می‌بینند و سعی می‌کنند آنها را از انجام آنچه موجب فساد اخلاق است محافظت نمایند. (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۳/۳۱۴)

بعضی از فقها فرموده‌اند: سیره بر تأدیب و تعزیر اطفال نیز وجود دارد. (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱/۳۸۸) سیره‌ای که بر انجام چیزی حاصل شده است، بر مشروعیت آن فعل دلالت دارد (مظفر، ۱۴۲۲، ۴۰۷)؛ در مورد تنبیه بدنی کودکان سیره بر فعل وجود دارد به ضمیمه آن که ردعی نسبت به آن نرسیده است، بلکه حتی می‌توان مدعی شد که مورد امضا نیز قرار گرفته است، از این رو مشروعیت تنبیه کودکان قابل استنباط است.

۷-۳-۴) حکم عقل

عقل حکم می‌کند به این که واجب است بر ولیّ کودک، تعلیم و تربیت به آنچه موجب سعادت وی می‌گردد؛ مانند تعلیم اعتقادات صحیح دینی و نیز واجب است او را از انجام آنچه موجب فساد اخلاق یا ضرر و زیان بر وی خواهد شد، منع نماید. (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۳/۳۱۵) اگر تربیت کودک متوقف بر تنبیه‌ای باشد که در آن همه اصول تربیتی پیش‌گفته رعایت شود، عقل منعی از آن نمی‌بیند. «عناوینی مانند ضرب، حسن و قبح ذاتی یا عرضی ندارند بلکه تنها بستگی به شرایط دارند در شرایطی مانند تنبیه، حسن و در شرایطی مانند تشفی قبیح هستند» (مظفر، ۱۴۲۲، ۱۸۱). وقتی حسن ضرب کودک به دلیل تربیت ثابت شد، با استفاده از قاعده کلمه حکم به العقل حکم به الشرع، جواز شرعی آن نیز ثابت خواهد شد.



۸) نتیجه گیری

۱) در بحث تنبیه بدنی کودک، ملاک در سن وی از نظر قانونی و فقهی مهم نیست، بلکه می‌بایست به معیار عرفی رجوع کرد.

۲) مخالفان تنبیه برای نظرات خود به ادله‌ای از جمله ظلم و قبیح بودن تنبیه کودک... اشاره کردند که به نقد نظریات آن‌ها پرداختیم و بیان کردیم تنبیه بدنی کودک در صورت عدم کارایی سایر طرق تربیتی نه تنها ظلم و قبیح نیست، بلکه به مصلحت وی هم هست.

۳) تنبیه کودکان شامل روش‌هایی چون قهر با کودک، محروم سازی وی و ضرب کودک می‌باشد. برای شیوه‌ی تنبیه بدنی و ضرب کودک آثاری از جمله حفظ کودک از گمراهی و اصلاح وی می‌توان اشاره کرد. بنابراین با توجه به اهمیت تربیت کودکان و تأثیر آن در بزرگسالی، روش تنبیه بدنی کودکان چه از منظر اسلام و چه از منظر علوم تربیتی، با رعایت اصول مذکور، برای والدین جایز است.



کتابنامه

- ۱) خلجی، حسن، شیوه های مؤثر نهادینه کردن حجاب در کودکان و نوجوانان، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۱۳۹۰، ۸، بهار ۱۳۹۰
- ۲) اچ. السون، متیو، هرگنهان، بی آر، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، علی اکبر سیف، چاپ نوزدهم، نشر دوران، تهران، ۱۳۹۱
- ۳) قائمی، علی، زمینه تربیت، چاپ ششم، انتشارات امیری، تهران، ۱۳۶۸
- ۴) منوچهریان، پرویز، عقده حقارت، چاپ اول، انتشارات گوتنبرگ، تهران، ۱۳۶۲
- ۵) ایلینگورث رونالدس، کودک و مدرسه، شکوه نوابی نژاد، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۶۸
- ۶) پیازه، ژان، پرورش کودک، انتشارات نیما، عنایت الله شکیباپور، بی جا، بی تا
- ۷) اربلی، علی بن عیسی کشف الغمه فی المعرفة الأئمه (ط - القدیمة)، سیدهاشم محلاتی، چاپ اول، بنی هاشم، تبریز، ۱۳۸۱ق
- ۸) هاشمی خمینی، محمدحسن، توضیح المسائل مراجع، چاپ سوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۷
- ۹) کشاورز، سوسن، قلی ها، فاطمه، تبیین فلسفه بازی در تربیت سازگار با آموزه های انسان شناختی و معرفت شناختی اسلام، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، تهران، ۱۳۹۱
- ۱۰) مهجور، سیامک رضا، روانشناسی بازی، چاپ اول، راهگشا، شیراز، ۱۳۷۰
- ۱۱) حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد (ط - الحدیث)، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۳ق
- ۱۲) سیدمحمد رضی، نهج البلاغه، عزیرالله عطاردی، چاپ اول، مؤسسه نهج البلاغه، قم، ۱۴۱۴ق
- ۱۳) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، دارالکتاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴
- ۱۴) طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق



- ۱۵) ابن‌أبي‌الحديد، عبدالحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن‌أبي‌الحديد، چاپ اول، منشورات آيت‌الله‌العظمى مرعشى نجفى، قم، ۱۴۰۴ق
- ۱۶) فلسفى، محمدتقى، گفتار فلسفى كودك از نظر وراثت و تربيت، چاپ بيست و يكم، هيئت نشر معارف اسلامى، تهران، ۱۳۶۴
- ۱۷) محمدى رى شهرى، محمد، ميزان الحكمه، چاپ دوم، مكتب الاعلام اسلامى، بى‌جا، ۱۳۶۷
- ۱۸) انصارى، قدرت‌الله و جمعى من المؤلفين، و...، موسوعة احكام الاطفال و ادلتها، چاپ اول، مركز فقه ائمه اطهار (ع)، قم، ۱۴۲۸ق
- ۱۹) گلپايگانى، محمدرضا، الدر المنضود، بقلم على كريمى جهرمى، چاپ اول، دارالقران الكريم، قم، ۱۴۱۲ق
- ۲۰) هيثمى، نورالدين، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مكتبة القدسى، القاهرة، ۱۴۱۴ق
- ۲۱) نجفى، محمد، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ۱۴۰۴
- ۲۲) لنكرانى، فاضل، القواعد الفقيهيه، چاپ چهارم، مركز فقهى ائمه اطهار، قم، ۱۳۹۲
- ۲۳) ابوالحسن ورام‌بن‌ابى‌فراس، مجموعه ورام «اداب و اخلاق در اسلام»، محمدرضا عطايى، چاپ چهارم، بنياد پژوهش‌هاى اسلامى، مشهد، ۱۳۸۷
- ۲۴) مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، چاپ سوم، منشورات فيروز آبادى، قم، ۱۴۲۲ق
- ۲۵) شعيرى، محمدبن محمد، جامع الأخبار، چاپ اول، مطبعة حيدريه، نجف، اول، بى‌تا
- ۲۶) تميمى آمدى، عبدالواحدبن محمد، غرر الحكم و درر الكلم، چاپ دوم، دارالهادى، قم، ۱۴۱۳ق
- ۲۷) ابن‌اثير، مبارك بن محمد جزرى، النهاية فى غريب الحديث و الأثر، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان، چاپ اول، قم، بى‌تا
- ۲۸) ابن‌منظور، محمدبن مكرم، لسان العرب، سوم، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، بيروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق



۲۹) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ اول، دارالعلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، ۱۴۱۲ق

۳۰) ابن زکریا، احمد بن فارس، *معجم مقانیس اللغة*، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق

۳۱) عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، چاپ هشتم، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۱

۳۲) مجلسی دوم، محمدباقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، چاپ اول، مؤسسه الطبعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۰ق

۳۳) جمال الدین حلی، احمد بن محمد اسدی، *عدة الداعی و نجاح الساعی*، چاپ اول، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق

۳۴) حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، چاپ اول، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق

۳۵) شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، چاپ دوم، دار الشریف الرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ق

۳۶) کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی (ط - دار الحديث)*، چاپ اول، دار الحديث للطباعة و النشر، قم، ۱۴۲۹ق

۳۷) شیخ طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحكام*، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق

۳۸) فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *الوافی*، چاپ اول، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق

۳۹) منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیه السلام، *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام*، چاپ اول، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، مشهد، ۱۴۰۶ق

۴۰) موسوی خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، چاپ سوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸

۴۱) شهید مطهری، مرتضی، *جاذبه و دافعه علی علیه السلام*، چاپ چهلم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۰



- ۴۲) یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ الیعقوبی*، محمد ابراهیم ایتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، بی جا، بی تا
- ۴۳) حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول*، علی اکبر غفاری، چاپ دوم، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴
- ۴۴) قمی، عباس، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، چاپ اول، اسوه، قم، ۱۴۱۴ق
- ۴۵) شهید ثانی، عاملی، شیخ زین الدین، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، چاپ دوازدهم، مجمع الفکر اسلامی، قم، ۱۴۳۷ق
- ۴۶) قائمی فر، ولی الله، *تربیت در نهج البلاغه*، چاپ اول، امید مهر، سبزوار، ۱۳۸۸
- ۴۷) امامی، حسن، *حقوق مدنی*، چاپ دوازدهم، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۷۶
- ۴۸) صفایی، حسین، مرتضی قاسم زاده، *حقوق مدنی اشخاص و محجورین*، چاپ هشتم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۸۲
- ۴۹) محدث نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ اول، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ق
- ۵۰) شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق
- ۵۱) مک کلور، ویمالا، *ماساژ کودکان*، جعفری نمینی، چاپ اول، طلایه، تهران، ۱۳۸۱
- ۵۲) عارفی، محمدیونس، *آثار تربیتی محبت به کودک*، پیام زن، ۱۳۸۹، ۲۲۵، اذر ۱۳۸۹
- ۵۳) سیف، علی اکبر، *روانشناسی تربیتی*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۹۱
- ۵۴) سیف، علی اکبر، *تغییر رفتار و رفتار درمانی*، چاپ اول، نشر دانا، تهران، ۱۳۷۳
- ۵۵) انصاری، قدرت الله، احکام و حقوق کودکان در اسلام، مرکز فقهی ائمه اطهار